مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال یازدهم ، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شمارهٔ پیاپی ۲۱

DOI: ۱۰.۲۲۰۶۷/LJ.V۱۱I۲۱.۳۹۳۳۶

بازنمایی شناختی رویداد حرکت در کردی کلهری

مسعود دهقان (استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکدهٔ زبان و ادبیات دانشگاه کردستان، سنندج، ایران)

صص: ۲۸۱-۳۰۷

چکیده

حرکت به مثابهٔ رویداد و طرح‌واره‌ای ذهنی است که آدمی از بدو تولد آن را تجربه می‌کند و مفهومی همگانی دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رویداد حرکت در کردی (گویش کلهری) بر اساس انگارهٔ الگوهای واژگان‌شدگی تالمی (۱۹۸۵؛۲۰۰۰ب) انجام گرفته است تا نشان دهد که این انگاره، رویداد حرکت را در کردی کلهری چگونه بازنمایی می‌نماید. نگارنده در پی پاسخی برای این پرسش به بررسی و واکاوی جایگاه رده‌شناختی کردی کلهری بر اساس الگوهای واژگان‌شدگی پرداخته است. این پژوهشِ کیفی با استفاده از روش تحلیل-توصیفی انجام شده و بدین منظور، تعداد ۱۳۰ فعل حرکتی به صورت پیمایشی و از طریق مصاحبه با گویشوران کردی کلهری گردآوری و اصالت آن‌ها نیز تأیید شد. نتایج نشان داد که کردی کلهری از نه الگوی ادغام استفاده می‌کند که از میان آن‌ها، الگوهای دو جزیی ادغام حرکت+هم‌رویداد و حرکت + مسیر به ترتیب از بیشترین بسامد برخوردارند، و الگوی سه جزیی حرکت+مسیر+هم‌رویداد نیز پس از دو الگوی مذکور از بسامد بالاتری برخوردار است. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که در کردی کلهری افعال حرکتی هم مسیرنما و هم شیوه‌نما هستند و از آنجایی که در این گویش، الگوی سه جزیی حرکت+مسیر+هم‌رویداد نیز بسامد بالایی را داراست، بر این اساس این گویش جزء دسته‌ی زبان‌های دو قطبی به حساب می‌آید.

کلید واژه‌ها: زبان‌شناسی شناختی، رویداد حرکت، الگوهای واژگان‌شدگی، کردی کلهری، زبان‌های دو قطبی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۶

پست الکترونیکی: ۱. dehghan_m۸۵@yahoo.com

مقدّمه

شیوهٔ بازنمایی ساخت‌های رویدادی[۱] در زبان‌های مختلف، یکی از مباحث مورد بررسی در معنی‌شناسی شناختی[۲] است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رویداد حرکت[۳] در کردی کلهری[۴] قصد دارد تا جایگاه این گویش از زبان‌های ایرانی نو غربی جنوبی که عمدتاً در استان کرمانشاه و قسمت‌های شمالی استان ایلام نیز بخشی از کردستان عراق (خانقین و مندلی) بدان تکلم می‌شود را بر اساس انگارهٔ الگوهای واژگان‌شدگی[5] تالمی[۶] (۱۹۸۵؛۲۰۰۰ب) در رویکرد شناختی واکاوی کرده و نشان دهد که این گویش کردی به لحاظ رده‌شناسی[۷] از چه جایگاهی برخوردار است. شایان ذکر است که این ساخت‌های رویدادی در زبان‌شناسی شناختی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، چرا که از دیدگاه شناختی، طرح‌واره[۸]ی حرکت به عنوان یکی از بنیادی‌ترین تجارب بشر در نظر گرفته شده است. زبان‌شناسان شناختی، همچون سایر زبان-شناسان، زبان را به خاطر خود آن مطالعه می‌کنند و یک دلیل مهم مبنی بر اینکه چرا زبان-شناسان شناختی به مطالعهٔ زبان می‌پردازند، ریشه در این باور دارد که زبان بازتاب الگوهای تفکر و خلاق ذهن است. به باور آن‌ها، زبان منعکس کنندهٔ ویژگی‌های اساسی خاصی بوده و در واقع آنچه را که در ذهن بشر می‌گذرد طراحی می‌کند (ایوانز[۹] و گرین[۱۰]، ۲۰۰۶:۵). شایان ذکر است که زبان‌ها به لحاظ رده‌شناختی از تفاوت‌ها و شباهت‌هایی برخوردارند که آن‌ها را در رده‌های مختلف قرار می‌دهد. یکی از این تفاوت‌ها و شباهت‌ها در زبان‌های مختلف، چگونگی رویدادِ بازنمایی حرکت در زبان است و زبان‌های مختلف نیز ابزارهایی برای

---

۱. event constructions

۲. cognitive semantics

۳. motion

۴. Kalhori Kurdish

۵. lexicalization patterns

۶. L. Talmy

۷. typology

۸. schema

۹. V. Evans

۱۰. M. Green

بازنمایی و بیان این رویداد مهم در نظر گرفته‌اند که از آن‌ها به مثابهٔ نگاشت[۱]های معنا–صورت صورت یاد می‌شود. از این روست که زبان‌های مختلف از نگاشت‌های معنا–صورت مختلفی برخوردارند. انگارهٔ الگوهای واژگان‌شدگی نخستین بار از سوی تالمی (۱۹۸۵؛۲۰۰۰ب) معرفی شد که بر اساس آن زبان‌ها به دو گروه زبان‌های فعل‌بنیان[۲] و زبان‌های تابع‌بنیان[۳] طبقه‌بندی می‌شوند. همچنین، حرکت به مثابهٔ رویدادی در نظر گرفته می‌شود که در آن معنای جابجایی و حرکت، آشکارا نهفته باشد. این جابجایی به دو صورت آشکار و پنهان ممکن است اتفاق بیافتد. به باور تالمی، آن جایی حرکت آشکارا رخ می‌دهد که عنصری از مکانی به مکان دیگری منتقل گردد که به آن حرکت انتقالی[۴] (گذرا) می‌گویند، برای نمونه، افعال «قدم زدن» و و «رفتن» در زبان فارسی از این ویژگی برخوردار هستند. اما در جای دیگری این حرکت آن-گونه که در حرکت آشکار ذکر شد، قابل مشاهده و ملموس نیست، بلکه جابجایی بدون تغییر مکان و در جای اصلی آن رخ می‌دهد که به آن حرکت بومرنگی[۵] (ساکن) گفته می‌شود (۲۰۰۰ب:۳۶–۳۵). برای مثال، حرکت در فعلی همچون فعل «چرخاندن[۶]» و «تکان‌دادن[۷]» در زبان فارسی از نوع حرکت بومرنگی هستند. همچنین بر اساس دیدگاه دوگانگی تالمی (۲۰۰۰ب)، افعال حرکتی (MV) به دو نوع مسیر[۸]نما و شیوه[۹]نما تقسیم می‌شوند. فعل‌های مسیرنما، مسیر حرکت و فعل‌های شیوه‌نما، شیوهٔ حرکت شیئی را واژگانی می‌کنند. بدین منظور، در پژوهش حاضر تلاش می‌شود تا از طریق مصاحبه با گویشوران کردزبان، و نیز گردآوری ۱۳۰ فعل حرکتی و تحلیل آن‌ها بر اساس الگوهای تالمی (۲۰۰۰ب) مشخص شود که در این افعال، کدام یک از عناصر معنایی هم‌رویداد (CE) و مسیر (P)، بیشترین بازنمایی را دارند، یا اینکه این دو عنصر معنایی از بازنمایی تقریباً یکسانی برخوردارند و در این‌صورت

---

۱. mapping
۲. Verb-based
۳. Satellite-based
۴. translational
۵. self-contained
۶. twisting
۷. shaking
۸. path
۹. manner

باید گفت که گویش کردی کلهری از دسته‌ی زبان‌های دو قطبی به شمار می‌رود، و این‌گونه رویکرد رده‌شناسی دوگانهٔ تالمی (۲۰۰۰ب) به چالش کشیده می‌شود. برای درک بهترِ موضوعِ افعال حرکتی و مؤلفه‌های بازنمایی شده توسط آن‌ها، به نمونه‌های زیر توجه کنید:

۱. گربه از دیوار پایین افتاد.

۲. گربه از دیوار پرید.

۳. گربه از دیوار بالا رفت.

در مثال‌های فوق، افعال حرکتی «پایین افتادن» و «بالا رفتن» در نمونه‌های ۱ و ۳، بطور هم‌زمان مؤلفه‌های معنایی حرکت، مسیر را واژگانی می‌کنند. در حالی که در مثال ۲، فعل حرکتی «پریدن» دو مؤلفهٔ معنای حرکت و هم‌رویداد را بازنمایی می‌کند. در این مثال‌ها، تابع «پایین» و تابع «بالا» مسیر حرکت را بازنمایی می‌کنند. همچنین، «گربه» به عنوان *پیکر*[۱] در نظر گرفته می‌-می‌شود که موقعیتش بر اساس دیوار مشخص شده است و «دیوار» به مثابهٔ *زمینه*[۲] است.

پژوهش حاضر شامل شش بخش است. بخش اول مقدمه است، بخش دوم به پیشینهٔ پژوهش پرداخته است. بخش سوم به روش‌شناسی پژوهش اشاره دارد. در بخش چهارم انگارهٔ الگوهای واژگان‌شدگی تالمی (۱۹۸۵؛۲۰۰۰ب) تعریف خواهد شد. بخش پنجم به بررسی و تحلیل داده‌ها خواهد پرداخت و در بخش پنجم نتیجه‌گیری پژوهش را خواهید دید.

پیشینهٔ پژوهش و مطالعات مرتبط

در این بخش نگاهی خواهیم داشت به مطالعات زبان‌شناختی پیشین و مرتبط با موضوع رویداد حرکت در زبان‌ها تا مشخص گردد که موضوع و محدودهٔ این دسته از مطالعات چگونه و تا چه اندازه بوده و به چه نکاتی در این زمینه توجه شده است. در ابتدا پژوهش‌های ایرانی و سپس پژوهش‌های غیرایرانی مرور می‌شود. شایان ذکر است که پیش از این پژوهش، پژوهش‌هایی در زمینه‌ی رویداد حرکت در زبان‌فارسی بر اساس انگارهٔ معنی‌شناسی شناختی تالمی (۱۹۸۵؛۲۰۰۰ب) صورت گرفته، اما تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، پیرامون موضوع رویداد حرکت در کردی جنوبی از دیدگاه شناختی، به غیر از پژوهش کریمی‌پور و رضایی

---

۱. figure

۲. ground

(۲۰۱۶) که آن هم در محدودهٔ استان ایلام انجام گرفتـه، تـا کنـون بررسـی‌ای صـورت نگرفتـه است. آن‌ها در پژوهشی با عنوان «بررسـی رده‌شـناختی افعـال حرکتـی در کـردی ایلامـی» بـه بررسی افعال حرکتی و جایگاه رده‌شناختی کردی ایلامی بر اساس رویکرد رده‌شناسی برمن[۱] و اسلوبین[۲] (۱۹۹۴) پرداخته و به این نتیجه رسیدند که با توجه بـه اینکـه مسـیر حرکـت نیـز در افعال حرکتی در این گویش کردی بر اساس تابع‌ها مشخص می‌شود، می‌توان آن را جزء زبان-های تابع‌بنیان به حساب آورد و بر این اساس گویش کردی ایلامی به لحاظ رده‌شناسـی زبـانی تابع‌بنیاد است. این در حالی است که نگارنـده در پـژوهش حاضـر رده‌شناسـی دوگانـهٔ تـالمی (۲۰۰۰ب) را که بر اساس آن زبان‌ها به دو گروه اساسی فعل‌بنیان و تابع‌بنیان تقسیم می‌شـوند، به چالش کشیده است و معتقد است که این طبقه‌بندی نمی‌تواند در خصوص همهٔ زبان‌هـا کـه کردی از جملهٔ آن‌هاست از کارایی لازم برخوردار باشد. به باور نگارنده و بر اساس نتایجی کـه در ادامه خواهد آمد، گویش کردی کلهری را نمی‌توان در هیچ یک از ایـن دو ردهٔ زبـانی قـرار داد، بلکه بر اساس دیدگاه برمن و اسلوبین (۱۹۹۴) زبان‌های مختلف به لحاظ رده‌شـناختی بـر روی پیوستاری قرار دارند که این دو ردهٔ زبانی می‌تواند در دو سوی آن پیوستار واقـع باشـد و این‌گونه زبان‌های مختلف بر روی آن پیوستار چندبُعدی از هم متمـایز مـی‌شـوند. در ذیـل بـه اختصار به نمونه‌هایی از پژوهش‌های مرتبط ایرانی و غیرایرانی که قبلاً انجام گرفته‌اند خـواهیم پرداخت.

شاه‌حسینی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنـوان «بررسـی تطبیقـی افعـال مسـیرنمای زبان‌های فارسی میانه و نو» به بررسی صورت‌های مختلف بیـان رویـدادهای حرکتـی فعـل از منظر رده‌شناسـی تـالمی (۲۰۰۰) در فارسـی میانـه‌ی زردشـتی و مقایسـه‌ی آن بـا فارسـی نـو پرداخته‌اند. در بررسی این نوشتار، نگارندگان در پی پاسخی بـرای ایـن پرسـش بودنـد کـه در دوره‌های مختلف زمانی، بازنمایی رویداد حرکتی فعل در زبان‌فارسی دستخوش چـه تغییراتـی بوده است. نتایج نشان داد که فعل در فارسی میانـه بـرای بازنمـایی اطلاعـات مسـیر از امکـان فعل‌محوری استفاده می‌کند، حال آن که فارسی نو علاوه بر ایـن امکـان، از امکـان تـابع‌محـور

۱. A. R. Berman
۲. D. I. Slobin

بودن نیز بهره برده است. از این رو، یافته‌ها نشان داد که با گسترش دامنه شناختی گویشوران در طول زمان، زبان از امکانات بیشترب برای بیان مفاهیم استفاده می‌کند.

حامدی شیروان و شریفی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی رده‌شناختی مقولهٔ قمر در ساخت رویدادی افعال حرکتی در زبان فارسی» به بررسی نمودهای صوری مقولهٔ قمر و مقولات معنایی آن در زبان‌فارسی پرداخته‌اند. آن‌ها در پژوهش خود به این موضوع اشاره کردند که زبان‌فارسی از منظر رده‌شناسی دوگانهٔ تالمی در هر دو دسته‌ی قمرمحور و فعل‌محور قرار گرفته‌اند و نشان دادند که زبان‌فارسی در برخی موارد همراستا با ویژگی‌های زبان‌های قمرمحور و در برخی دیگر با زبان‌های فعل‌محور سازگاری دارد. آن‌ها در نهایت رده‌شناسی دوگانهٔ تالمی را به چالش کشیده و بر این باورند که بهتر است این تقسیم‌بندی جای خود را به یک پیوستار بدهد که زبان‌های مختلف می‌توانند در آن جای بگیرند و یا در حال حرکت به یکی از دو سوی پیوستار باشد.

همچنین، مسگرخویی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بازنمود رویداد حرکت در زبان فارسی: رویکردی شناختی» به بررسی معناشناختی افعال حرکتی در زبان فارسی پرداخته و به این پرسش اساسی پاسخ داد که اجزای مختلف رویداد حرکت از طریق چه الگوهایی در زبان فارسی بازنمایی می‌شوند و این افعال برای بازنمایی رویداد حرکت (مسیر/ شیوه) از چه اطلاعات معنایی استفاده می‌کنند. نتایج نشان داد که ادغام دو مؤلفهٔ معنایی حرکت و مسیر یا شیوه از مهم‌ترین الگوهای واژگان‌شدگی در زبان فارسی است. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که زبان فارسی، طبقه‌بندی رده‌شناختی دوگانهٔ تالمی (۲۰۰۰ب) مورد تردید است و نظریهٔ اصلاحی برمن و اسلوبین (۱۹۹۴) در خصوص رده‌شناسی زبان‌ها مورد تأییدتر است.

ازکیا (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «حرکت در زبان فارسی: دیدگاهی شناختی و رده-شناختی» به بررسی افعال حرکتی در دو فرهنگ بزرگ سخن و معین پرداخت تا از آن طریق به چگونگی جایگاه رده‌شناختی زبان فارسی بر اساس الگوهای واژگان‌شدگی تالمی (۲۰۰۰ب) پی ببرد. وی به تبیین انواع الگوهای واژگان‌شدگی عناصر معنایی حرکتی در ریشهٔ فعل پرداخته و ۱۵ الگوی واژگان‌شدگی را برای زبان فارسی به دست داد. همچنین در این بررسی، الگوی حرکت+هم رویداد را از پربسامدترین الگوهای واژگان‌شدگی معرفی می‌کند و به باور وی، فارسی‌زبانان تمایل دارند تا در بیان رویدادهای حرکت، جزء حرکتی را با شیوهٔ حرکت ترکیب

کنند. یافته‌ها نشان داده است که در رده‌شناسی زبان‌ها، زبان‌فارسی در ردهٔ زبان‌های تابع‌بنیان قرار می‌گیرد و در ادامه به طبقه‌بندی دوگانهٔ تالمی صحه می‌گذارد که اگر در زبانی الگوی واژگان‌شدگی حرکت+هم‌رویداد وجود داشته باشد، آن عنصری که در چارچوب تابع رمزگذاری می‌شود، عنصر معنایی مسیر است.

همچنین، پیرامون پژوهش‌هایی که در چارچوب افعال حرکتی در زبان‌های غیرایرانی انجام گرفته است، می‌توان به پژوهش سیدی[۱] (۲۰۰۷) با عنوان «رده‌شناسی رویداد حرکت در زبان تونسی»، پژوهش فِرِز[۲] (۲۰۰۸) با عنوان «حرکت در زبان انگلیسی و اسپانیایی»، همچنین شائو (۲۰۰۹) «توصیف رویدادهای حرکتی و شیوه‌نما در زبان مادرین» و نیز پژوهش لیندسی[۳] (۲۰۱۱) با عنوان «بررسی فعل های حرکتی در زبان بلغاری» اشاره کرد.

روش‌شناسی پژوهش

ماهیت روش‌شناسی این پژوهشِ کیفی، توصیفی-تحلیلی و نوع آن داده-بنیاد بوده و از میان افعال حرکتی در کردی کلهری گردآوری شده‌اند. در این جستار، نگارنده به بررسی رویداد حرکت بر اساس انگارهٔ الگوهای واژگان‌شدگی تالمی (۱۹۸۵؛۲۰۰۰ب) به تحلیل داده‌ها پرداخته است. روش گردآوری داده‌ها به صورت پیمایشی (میدانی) بوده و از طریق مصاحبه با گویشوران کردی کلهری، تعداد ۱۳۰ فعل حرکتی، اعم از ساده[۴]، مرکب[۵] و گروهی[۶]، از گروه‌های سنی ۲۱ تا ۴۰ سال با تحصیلات دیپلم تا دکترا گردآوری شده است. شایان ذکر است که نگارنده خود گویشور بومی این گویش از شاخه‌ی زبان‌های ایرانی نو غربی جنوبی است.

انگارهٔ الگوهای واژگان‌شدگی تالمی (۱۹۸۵؛۲۰۰۰)

---

۱. D. Saidi

۲. P. Fe′rez

۳. T. S. Lindsey

۴. افعالی که در ساختمان آن‌ها تنها یک جزء واژگانی به کار رفته است.

۵. افعالی که در ساختمان آن‌ها یک جزء غیر فعلی (شامل حرف اضافه، اسم یا صفت) و یک جزء فعلی (همکرد) وجود دارد.

۶. افعالی که در ساختمان آن‌ها دو یا چند جزء غیر فعلی و یک جزء فعلی به کار رفته است.

اساس زبان‌شناختی شناختی را می‌توان رویکردی دانست که در آن دانش زبانی مستقل از اندیشیدن و شناخت نیست. در واقع، زبان وسیله‌ای برای سازمان‌دهی، پردازش و انتقال اطلاعات در نظر گرفته می‌شود و معنی‌شناسی شناختی بر مدل‌ها و سازوکارهای شناختی که ورای فعالیت‌های زبان ما قرار دارند–و آن‌ها را ممکن می‌سازد– تأکید می کند. در معنی‌شناسی شناختی فرض بر آن است که عملکردهای عالی شناختی ما که معنا و استدلال را ممکن می‌سازند، در واقع امتداد فعالیت‌های حواس ما و غیر قابل تفکیک از آن‌ها هستند. در این رویکرد نقش زبان ایجاد تعبیر[۱] و نگاشت میان حوزه‌های مختلف ذهن است. (لیکاف،۱۹۸۷). به باور لیکاف (۲۷۸:۱۹۸۷) هنگامی که دربارهٔ حرکت فکر می‌کنیم و می‌اندیشیم، غالباً حرکت انتقالی یا گذرا اولین نوع حرکتی است که به ذهن ما انسان‌ها مبادرت می‌کند. وی همچنین بیان می‌کند که این نوع حرکت در مسیر مشخصی رخ می‌دهد که توالی نقاط مسیر را برای ما نمایان می‌سازد. انگارهٔ الگوهای واژگان‌شدگی که پژوهش حاضر بر اساس آن به موضوع رویداد حرکت در کردی کلهری پرداخته است، ابتدا به وسیله‌ی تالمی (۱۹۸۵؛۲۰۰۰ب) پا به عرصه‌ی علم زبان‌شناسی نهاد. وی (۲۰۰۰ب) در جلد دوم کتاب خود با عنوان *معنی‌شناسی شناختی* به توصیف این انگاره پرداخته است. تالمی، همچنین در مقدمه‌ی کتاب خود واژگان-شدگی را این گونه تعریف می‌کند: «واژگان‌شدگی عبارت است از ارتباط نظام‌مند میان یک عنصر معنایی ویژه و یک تکواژ». در این انگاره که به روابط سیستماتیک بین صورت روساختی و معنا توجه دارد، فرض بر این است که واژگان‌شدگی در جایی اتفاق می‌افتد که بین صورت واژگانی و معنای آن صورت ارتباط و با هم‌آییِ منظمی وجود داشته باشد. به باور تالمی (۲۰۰۰ب) به شرایطی که در آن حرکت و ایستایی[۲] با هم شکل بگیرند، رویداد حرکت گفته می‌شود. تالمی، همچنین عناصر معنایی را در رویداد حرکتی به چهار مؤلفهٔ معنایی اصلی از قبیل، مسیر حرکت (P)، جزء حرکتی(M)، پیکر (F) و زمینه (G) و همچنین دو مؤلفهٔ فرعی شیوهٔ حرکت و سبب[۳] که هم‌رویداد (CE) نامیده می‌شوند، تقسیم می‌کند. به عبارتی، عنصر پیکر، شئ متحرکی است که حرکت می‌کند و عنصر معناییِ زمینه نیز شئ ثابتی است که شئ متحرک بر اساس آن مکان‌یابی می‌شود. مسیر نیز در واقع راهی است که پیکر با توجه به

---

۱. profile

۲. stationariness

۳. cause

زمینه طی کرده و آن را اشغال می‌کند. همچنین، شیوه حالتی است که نحوه‌ی وقـوع رویـداد را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در بخش مقدمه نیز بیان گردید، بـر ایـن اسـاس دو نـوع حرکـت وجود دارد: انتقالی و بومرنگی. در حرکت انتقالی جایگاه اصلی پیکر از نقطه‌ای به نقطـۀ دیگـر تغییر می‌کند، در حالی‌که در حرکت بومرنگی، پیکر همان جایگاه اصلی خـود را نگـه مـی‌دارد (تالمی،۲۰۰۰ب:۳۶-۳۵). برای درک بهتر مؤلفه‌های معنایی و نیز این دو نوع حرکت در ارتباط با رویداد حرکت به نمونه‌های زیر توجه کنید:

۴.The pencil *rolled* off the table

۵.The pencil *blew* off the table.

۶.The pencil *lay* on the table.

۷.The pencil *stuck* on the table.

در همۀ مثال‌های بالا، the pencil مؤلفۀ معنـایی پیکـر و the table مؤلفـۀ معنـایی زمینـه است. در این مثال‌ها، مسیر و مکان حرکت بـه ترتیـب بـا تـابع off و on مشـخص شـده‌انـد. همچنین، حرکت و شیوۀ آن‌ها در افعال حرکتی «to roll» و «to lay» رمزگـذاری شـده اسـت. حال آن که در در افعال حرکتی «to blow» و «to stick» مؤلفه‌هـای معنـایی حرکـت و سـبب رمزگذاری شده است. (تالمی،۲۰۰۰ب:۲۶). شایان ذکر است افعـالی کـه رویـداد حرکـت و و مؤلفه‌های معنایی آن را بازنمایی مـی‌کننـد افعـال حرکتـی نامیـده مـی‌شـوند. بـه بـاور تـالمی (همان:۲۷) در انگارۀ واژگان‌شدگی تنها به ریشۀ فعل توجه معطوف است. وی همچنـین چنـد نوع الگوی متفاوت را در این خصوص به لحاظ رده‌شناختی از هم متمایز می‌کند که زبان‌هـای مختلف بر اساس آن‌ها از هم منفک می‌شوند. در این خصـوص، دو نـوع رویکـرد رده‌شناسـی متفاوت از الگوهای واژگان‌شدگی تالمی مطرح شـده اسـت. بـدین‌گونـه کـه در رویکـرد اول، طبقه‌بندی سه‌گانۀ تالمی (۱۹۸۵) و در رویکرد دوم، طبقـه‌بنـدی دوگانـۀ تـالمی (۲۰۰۰ب) دو دیدگاه متفاوت را در خصوص روابط معنایی و نحوی نشان می‌دهند. در رویکرد اول کـه تنهـا به ریشۀ فعل توجه معطوف شده است، به دنبال آن است تـا مشـخص کنـد کـه در زبـان‌هـای مختلف کدام یک از عناصر معنایی حرکت، شیوه و مسیر بازنمایی مـی‌شـوند. در حـالی‌کـه در رویکرد دوم تالمی (۲۰۰۰ب) به دنبال آن هستیم تا دریابیم که مسیر حرکت در ریشۀ فعـل (در

زبان‌های فعل‌بنیان) یا در تابع/حروف اضافه (در زبان‌های تابع‌بنیان) بازنمایی می‌شود (همان:۱۰۲).

رده‌شناسی سه گانهٔ تالمی: ریشهٔ فعل

همانگونه که قبلاً هم بیان گردید، این نوع رده‌شناسی از بررسی این که در زبان‌های مختلف چه عناصر معنایی‌ای بازنمایی می‌شوند حادث شده است و الگوهای زیر را در بر می‌گیرد.

الف. الگوی واژگان‌شدگی حرکت+هم‌رویداد: افعالی که همچون گروه دوم علاوه بر جزء حرکتی، عنصر معنایی هم‌رویداد (شیوه یا سبب) را نیز بازنمایی می‌کنند. مانند فعل «دویدن» در زبان‌فارسی. در این الگو، افعال حرکتی همزمان هر دو جزءِ حرکتی و هم‌رویداد (شیوه یا سبب) را با هم بازنمایی می‌کنند (تالمی،۲۰۰۰ب:۲۷). انگلیسی از جمله زبان‌هایی است که از این الگو تبعیت می‌کند. این دسته از افعال را افعال شیوه‌نما می‌نامند. در اینجا لازم است پیش از ارائهٔ مثال‌ها از زبان‌انگلیسی به شرح مختصر اصطلاحات غیرعاملی[۱]، عاملی[۲] و خودعاملی[۳] بپردازیم (همان:۲۸):

حرکت غیرعاملی آن است که پیکر به خودی خود قادر به انجام هیچ حرکتی نباشد و حرکت آن به کمک یک عامل خارجی انجام گیرد.

حرکت عاملی به حرکتی اطلاق می‌شود که در آن، پیکر از طریق یک عامل به حرکت درآمده باشد.

حرکت خودعاملی نیز آن رویدادی است که در آن، پیکر خود قادر به انجام حرکت باشد.

در این خصوص به مثال‌های زیر توجه کنید:

۸.The napkin *blew* off the table (غیرعاملی)

۹.I *rolled* the keg into the storeroom (عاملی)

۱۰.I *pushed* the keg into the storeroom (عاملی)

۱۱. I *jumped* down the stairs (خودعاملی)

---

۱. nonagentive

۲. agentive

۳. self-agentive

مثال ۸، در واقع به صورت The napkin *moved* off the table است که در آن کسی سبب جابجایی the napkin شده است. بنابراین فعل blew، حرکت و سبب را با هم بازنمایی می‌کند. در مثال ۹، فعل حرکتی «to roll» به حرکتی که the keg انجام می‌دهد اشاره دارد، و بنابراین عنصر معنایی شیوهٔ حرکت را بازنمایی می‌کند. در حالی‌که در مثال ۱۰، فعل حرکتی «to push» به حرکتی که فعل I انجام می‌دهد اشاره می‌کند، و بنابراین عنصر جانبی سبب حرکت را بازنمایی می‌کند (همان:۲۸)

به مثال زیر در کردی کلهری توجه کنید.

۱۲. ta dim-n-æj, wæ ban diwaræ-gæ ***pæɹ i***-jæw.

تا دید –۱PP (Nom)-۳PS (Acc) از روی دیوار-DEFINITE پرید PAST—۳PS

تا او را دیدیم، از روی دیوار ***پرید***. (M+CE)

در مثال ۱۲، فعل حرکتی pæɹin[1] «پریدن» در کردی کلهری همزمان حرکت و هم‌رویداد شیوه را واژگانی کرده است.

ب. الگوی واژگان‌شدگی حرکت+مسیر: این دسته از افعال حرکتی علاوه بر جزءِ فعلی، عنصر معنایی مسیر را نیز واژگانی می‌کنند. بنابراین این نوع افعال را می‌توان به صورت الگوی (حرکت+ یک جزءِ معنایی) نشان داد. مانند افعال «آمدن» و «رفتن» در زبان فارسی. تالمی (۲۰۰۰ب) در این خصوص بیان می‌دارد که مسیر در ریشهٔ فعل در زبان‌های فعل‌بنیان مانند اسپانیایی، و در تابع‌ها در زبان‌های تابع‌بنیان مانند انگلیسی بازنمایی می‌شود. این دسته از افعال را افعال مسیرنما نیز می‌نامند.

ج. الگوی واژگان‌شدگی حرکت+پیکر: در این حالت، ریشهٔ فعل همزمان دو عنصر معنایی حرکت و پیکر را بازنمایی می‌کند. به عبارتی، در این الگو، عناصر جزءِ حرکتی و پیکر با هم در ریشهٔ فعل ترکیب می‌شوند. به باور تالمی (۲۰۰۰ب) زبان‌های ناواجو[2] و آتوسگی[3] از جمله زبان‌های مختص این الگو به شمار می‌روند. وی، همچنین، بیان می‌دارد که زبان‌انگلیسی

---

۱. در گویش کردی کلهری با افزودن یکی از پسوندهای ən/in به ستاک گذشته‌ی فعل، مصدر ساخته می‌شود.

۲. Navajo (یکی از زبان‌های بومیان آمریکا)

۳. Atsugewi (یکی از زبان‌های بومیان آمریکا)

نیز در خصوص این الگو از چند عبارت محدود برخوردار است. نمونه‌هایی که تالمی (۲۰۰۰ب:۵۷) در خصوص زبان انگلیسی بیان کرده است دو مثال زیر هستند:

It *rained* in through the bedroom window. (M+F)

باران از پنجره‌ی اتاق به داخل *بارید*.

I *spat* into the cuspidor. (M+F)

به داخل سلف‌دان *تف انداختم*.

در مثال‌های بالا، فعل جملات همزمان هم جزءِ حرکتی و هم پیکر را بازنمایی می‌کنند. به عبارتی، در مثال ۱۳، پیکر (باران) و عنصر حرکت (پایین‌آمدن باران) با فعل جمله بازنمایی شده‌اند، و در مثال ۱۴، فعل to spit همزمان هم پیکر (آب دهان) و هم جزءِ حرکتی که *انداخته‌شدن است* را بازنمایی کرده است. کردی کلهری نیز این دو فعل را که به صورت مصدرهای waɹ in و tef keɹ dən به کار می‌روند، در این الگوی واژگان‌شدگی جای می‌دهد. نمونه‌های زیر مؤید این ادعا هستند که در آن‌ها پیکر (باران/برف/تگرگ) همراه با جزءِ حرکتی در ریشهٔ فعل ترکیب شده است.

ta ʃ æwæki waɹ i. (M+F)

تا صبح باری-PAST

تا صبح *بارید*.

tef keɹ d-æ zeɪu (M+F)

تُف کرد-PAST-۳PS زمین

به زمین تُف انداخت.

بررسی رویداد حرکت در کردی کلهری

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، داده‌های مورد تحلیل، افعال حرکتی در کردی کلهری هستند که از میان فعل‌های ساده، فعل‌های مرکب و فعل‌های گروهی انتخاب شده‌اند. همچنین، پیکرهٔ این پژوهش متشکل از ۱۳۰ فعل ساده و غیرساده (شامل افعال مرکب و گروهی) در کردی کلهری است که نگارنده با استفاده از روش پیمایشی (میدانی) از طریق مصاحبه با گویشوران کردزبان، داده‌ها را گردآوری کرده است. همچنین سعی شده است تا برای درک بهتر این افعال در کردی کلهری، برخی از آن‌ها در قالب مثال و همراه با معادل فارسی ارائه گردند. یافتن الگوهای

واژگانی‌شدگی در کردی کلهری و نیز پیداکردن الگوی غالب از میان الگوهای مختلف، در خصوص جایگاه کردی کلهری از منظر رده‌شناسی، همانا هدف اصلی و اساسی این پژوهش بوده است. الگوهایی که نوشتار حاضر بر اساس اطلاعات معنایی و منحصر بفرد افعال حرکتی در کردی کلهری به دست داده است، به قرار زیر هستند:

الگوی واژگان‌شدگی تک جزیی (M)

افعالی که در این الگو جای می‌گیرند، به عنوان افعال حرکت‌نما خوانده می‌شوند که تنها و صرفاً جزءِ حرکتی را واژگانی می‌کنند. در کردی کلهری دو فعل حرکتی وجود دارد که در این الگو جای می‌گیرند. آن دو فعل حرکتی عبارتند از:

۱. dadʒemin (زودتر حرکت کردن)

۲. dʒomedʒul keɹdən (تکان خوردن)

الگوی واژگان‌شدگی دو جزیی (M + CE)

افعالی در این الگو جای می‌گیرند که دو عنصر معنایی حرکت و هم‌رویداد شیوه، آن‌ها را با هم همزمان در ریشهٔ فعل بازنمایی می‌کنند. نمونه‌هایی از افعال حرکتی در کردی کلهری که در این الگو جای می‌گیرند، عبارتند از:

gæɹ din (به دور خود یا چیزی گشتن)؛ gæɹ danən (کسی یا چیزی را چرخاندن)؛ kæftən (به زمین افتادن، درسی را پاس نکردن)، در حالی که این فعل چنانچه با پیشوند hæl (بالا) همراه شود، دیگر در این الگو جای نمی‌گیرد و عنصر حرکتی مسیر هم به آن‌ها اضافه می‌شود که در این صورت در الگوی سه جزیی (M +P + Ma) جای می‌گیرد؛ telanən (چیزی را لگدمال کردن، له کردن، ماساژدادن)؛ peʃ kanən (پاشیدن [آب)]؛

tup-ægæ wæ ban zeɪɯ̈ *qəl xward*. (M+Ma)

توپ–DEFINITE از روی زمین قِل خوردن

آن توپ از روی زمین *قل خورد.*

همچنین، علاوه بر شش فعل حرکتی مذکور، سایر افعال حرکتی دارای الگوی M + CE به قرار زیرند:

reʃ anən (ریختن)، اما همین فعل حرکتی چنانچه با پیشوند hæl (بالا) به کار رود، دیگر در این الگو جای نمی‌گیرد و عنصر حرکتی مسیر هم به آن‌ها اضافه می‌شود که در این صورت در الگوی سه جزیی (M + P + Ma) جای می‌گیرد. æʧqɾaʒɯwær bijən (زیر و رو شدن کسی یا چیزی، سر و ته شدن)؛ ʧ æftæw bijən (دراز کشیدن)؛ dəɹ i:ʒ ki:ʃ ajən (کج شدن)؛ ʧæftæw keɹ dən (کج کردن)؛ dəɹ i:ʒ keɹ dən (دراز کردن پا و دست یا هر چیز دیگری)؛ læɹ zin (لرزیدن)؛ u:ngæɹ din؛ wæʃ (دنبال کسی گشتن)؛ ri: wæ sær (شروع به حرکت به قصد رفتن به جایی)؛ ri: kæftən (راه رفتن)؛ keɹ dən (دواندن، کسی را به دویدن واداشتن)؛ dæwanɛ n (دویدن)؛ dæwin (زانو زدن)؛ teɹ indʒəg ni:ʃ tən (پیاده‌شدن از سوار چیزی مانند وسایل نقلیه)؛ dawæzin (پهن کردن چیزی روی زمین)؛ da keɹ dən (زیر و رو شدن، واژگون شدن)؛ ʒi:r-u-banbin (از چیزی یا کسی عقب افتادن)؛ duwa kæftən (سرازیر شدن)؛ sæɹ æw xwar bin (کشیدن کسی یا چیزی از روی زمین)؛ keranən؛ hæl pæɹ gæ keɹ dən (رقصیدن)؛ hæl pæɹ anən (رقصاندن)؛ læm dajn (پشت خود را بر چیزی مماس کردن و آن را حائلی برای سنگینی خود کردن)؛ tækanən (تکاندن، تکان دادن)؛ qomʧ bæsin (جمع کردن بدن و آماده‌شدن برای پرتاب کردن سریع خود به جلو همزمان با هر دو پا، خیز برداشتن)؛ ranin (راندن، به حرکت درآوردن وسیله‌ی نقلیه یا هر چیز دیگری)؛ seŋ æ (سلانه سلانه رفتن، تأخیر در انجام کاری)؛ seŋ keɹ dən (تلوتلو خوردن، بدون تعادل و این طرف و آن طرف راه رفتن)، læɪɹ beɹ dən (سُر بردن، لیز بردن)؛ soɹ jan (با حرکت دورانی چیزی را جابجا کردن)؛ gɛ lanən (تکان دادن کسی یا چیزی)؛ læqanən (جست و خیز کردن، بالا و پایین پریدن با حرکت آرام برای جلب توجه کسی)؛ xɛ ndʒgæ keɹ dən (یواشکی سرک کشیدن برای چیزی)؛ ʃ ælæ ʃ æl (لنگان لنگان راه رفتن)؛ sæɹ æ tatki (تکان و لرزیدن ناگهانی از ترس)؛ daʧ ælkjajn (چرخاندن و حرکت دورانی به چیزی معمولاً گرد)؛ xer dajn (چرخیدن، حرکت کردن و راه رفتن در مسیری دایره‌وار)؛ xer xwaɹ dən (با حالت نشسته حرکت کردن)؛ qol niʃ tkani (لی لی کردن، روی یک پا حرکت کردن و بازی کردن)؛ qolan læq lɛ wa (ثابت نبودن و

در جای خود حرکت کردن)؛ mælæq dajn (پشـتک زدن)؛ laɹ æ laɹ (خمیـده و یـک طرفـه راه رفـتن)؛ pæɹ anɛn (پـرواز دادن، چیـزی یـا پرنـده‌ای را بـه پـرواز در آوردن)؛ datʃ æmjajn (خم شدن از حالت راست و مستقیم به جلو و سـمت پـایین)؛ pɛ l pɛ lan (غلت‌خوردن/زدن، از پهلویی به پهلوی دیگر شدن)؛ quxæ qux (به حالت خمیـده نشسـتن یا راه رفتن، قوز دادن)؛ xæm-o-ras bijən (تعظیم کردن)؛ ʤi: mænən (جا ماندن، عقب افتادن) مانند مثال زیر:

menal-ægæ mænæ ʤi: (M + Ma)

بچه–DEFINITE ماندن–PAST جا

آن بچه جا ماند (عقب افتاد).

در مثال ۱۸، menal (بچه) به عنوان پیکر، خودعاملی است و حرکت نیز از نـوع بـومرنگی است. همچنین عناصر معنایی حرکت و شیوه در ریشهٔ فعل با هم ادغام شده‌اند.

zerɯ læɹ zæ mal-ægan *læɹ z-an-æw*. (M + CE)

زمین لرزه خانه–Pl لرزیدن–PAST–CAUSE–۳PS

زمین‌لرزه سبب *لرزیدن* خانه‌ها شد.

در مثال بالا، حرکت بومرنگی و از نوع خودعاملی است، چـرا کـه پیکـر (zerɯ læɹ zæ) خود سبب حرکت و زمین لرزه شده است.

menal-ægæ wæ ʔ aw pæɹ -an-æw. (M + Ma/C)

بچه –DEFINITE از آب پریدن–PAST–CAUSE–۳PS

بچه را از آب *پراند*. (او باعث شد که بچه از آب بپرد).

الگوی واژگان‌شدگی دو جزیی (M + P)

در این الگو، ریشهٔ فعل همزمان دو عنصر حرکت و مسیر را با هم ادغام کرده است. در این الگو از شیوه یا سبب حرکت (هم‌رویداد) استفاده نمی‌شود و چنانچه فعلی بخواهد هـم‌رویـداد را علاوه بر دو عنصر حرکتی (حرکت + مسیر) در ریشهٔ فعل در این نوع از افعال حرکتی نشان دهد، باید به صورت قیدی بیاید. نمونه‌های زیر همگی مؤید این الگو هستند.

dir wæxt *ræs-im-ɛn*[۱]. (M+P)
دیر وقت رسیدن –FUTURE/PAST–۱PP

دیر وقت می‌رسیم (رسیدیم).

در مثال بالا، فعل ræsimɛ n همزمان حرکت و مسیر (رسیدن به مقصد) را بازنمایی می‌کند.

mar-ægæ *ʧ ijæ naw* lanæ-gæj. (M+P)
مار–DEFINITE رفت–۳PS–PAST داخل لانه–۳PS

آن مار به داخل لانه‌اش *رفت*.

در مثال ۲۲، پیکر: mar؛ زمینه: lanæ و مسیر با حرف اضافۀ naw رمزگذاری شده است که در اینجا تابع نامیده می‌شود.

dæs-i wæ girfan dær-aweɹ d. (M + P)
دست–۳PS از جیب بیرون –آوردن– ۳PS- PAST

دستش را از جیب *درآورد*.

در مثال ۲۳، فعل dærawerd (به معنای درآوردن) همزمان حرکت و مسیر (از داخل جیب به بیرون) را واژگانی و در هم ادغام کرده است.

همچنین، علاوه بر سه فعل حرکتی فوق، سایر افعال حرکتی که در الگوی M + P جای دارند به قرار زیرند:

hatən (آمدن)؛ ʧ íjən (رفتن، ترک کردن)؛ beɹ dən (بردن)؛ hawerdən (آوردن)؛ gærdín (پرسه زدن، دنبال چیزی گشتن و یافتن)؛ kel keɹ dən (ارسال کردن، فرستادن)؛ da xesən (پهن کردن چیزی روی زمین)؛ hæl xesən (پهن کردن چیزی در بالا، برای مثال روی طناب هر چیز دیگری، چیزی را آویزان کردن)؛ hat –u- ʧ u: (رفت و آمد کردن)؛ keɹ dən ʤi: wæ ʤi: keɹ dən (جابجا کردن)؛ dæjʃ t (بیرون آمدن)؛ xwar (به بیرون کشیدن)؛ wædæjʃ t kiʃ anən (بیرون آمدن)؛ hatən (پایین آوردن، فرود آوردن)؛ hawe ɹ dən ʃ u:ne kasi čijən (دنبال کسی رفتن/ تعقیب کردن کسی)؛ ræsanən (رساندن، کسی یا چیزی را به جایی یا محل خاصی

۱. فعل ræsimɛn در گویش کردی کلهری در هر دو زمان گذشته و آینده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بردن)؛ sæɹ dajn (سر زدن به کسی یا جایی بـدون اطـلاع قبلـی)؛ səwaɹ keɹ dən (سوار وسیله‌ی نقلیه کـردن)؛ səwaɹ bijən (سـوار وسـیله‌ی نقلیـه شـدن)؛ wæɹ æw (بـه عقـب رفـتن و خـلاف جهـت مقابـل حرکـت کـردن)؛ fasel̆æ duwaʧ ijən (فاصله گرفتن بین خود و شخص دیگری یا چیزی، دور شـدن)؛ fæɹ aɹ i geɹ dən (فراری دادن کسی، دور کردن و گریزانـدن کسـی از مـوقعیتی یـا خطـری)؛ ʤija dajn (جدا شدن از کسی یا چیزی)؛ hæl̆ gæɹ danən (باز گرداندن چیزی به کسـی که از او به امانت گرفته شده است)؛ bin hæl̆æw gæɹ danən (بـرعکس کـردن مسـیر چیزی)؛ bar keɹ dən (برگشتن به جـای قبلـی)؛ hæl̆ gæɹ dijan (نقـل مکـان کردن) ʃ æwaɹ keɹ dən (گم کردن راه و مسیر در اثر خستگی و ضعف جسـمانی و به بیراهه رفتن مسیر)؛ dawæɹ in (جدا شدن مسیر دو نفر از هم)؛ hiʃ tən (چیزی را در جای خاصی گذاشتن، قرار دادن، نهادن چیزی در جایی)، همچنین najən نیـز در همـین معنا به کار می‌رود.

الگوی واژگان‌شدگی سه‌جزیی (M + P + CE)

در کردی کلهری افعالی یافت می‌شوند که همزمان از سه عنصـر معنـایی حرکـت، مسـیر و هم‌رویداد برخوردارند، و به عبارتی فعل، این سه عنصر معنایی را با هـم بازنمـایی کـرده و در هم ادغام می‌کند که در این صورت به باور اسلوبین (۱۹۹۴) این دسته از زبان‌هـا را زبـان‌هـای دوقطبی می‌گویند. مانند فعل «پریدن» در زبان فارسی.

ʧ u: pæɹ dæ-gæ wæ naw diwar *das-æ dæjʃ t.* (M + P + CE)

بیرون PRE PERF–زدن دیوار توی از DEFINITE–پرده چوب

آن چوب پرده از توی دیوار به *بیرون زده است.*

در مثال بالا، ʧ u: pæɹ dægæ: پیکر و diwar: زمینه است و از آنجـایی کـه پیکـر بـه خودی خود قادر به حرکت نیست، بنابراین حرکت فعل از نوع حرکت غیرعاملی اسـت. فعـل dasæ dæjʃ t (بیرون زدن) همزمان حرکـت، مسـیر (مسـیر عمـودی یـا افقـی) و شـیوه را بازنمایی کرده است. در این مثال، مسیر و شیوه با تابع dæjʃ t (بیرون) مشخص شده اسـت. اما در مورد مثال زیر علاوه بر این که فعل، حرکت و مسیر را همزمان بازنمایی می‌کنـد، سـبب

را نیز واژگانی کرده است. همچنین در این مثال‌ها، حرکت از نوع انتقالی است، چرا که جابجایی از جایی به جای دیگر صورت گرفته است.

در خصوص فعل حرکتی dær ʧ ijən (فرارکردن، گریختن [از جایی/شرایطی])، dær ʧ ijən باید گفت که این فعل در بافت خاصی مانند نمونهٔ زیر می‌تواند به معنای «از دست دادن اصالت» به کار رود که در این صورت تنها دو مؤلفهٔ حرکت و شیوه را با هم ادغام می‌کند:

ʔæwæ wæ ʤi: xwæj *dær ʧ ij-æ*. (M + CE)

او از جا (اصالت) خود در PRE PERF–رفتن

او اصالت خود را *از دست داده است.*

kontu:ræ-gæ *das-æ* *dæjʃ t* (M + P + CE)

DEFINITE–کنتور PRE PERF–زدن بیرون

کنتور برق بیرون زده است.

در مثال فوق، حرکت از نوع حرکت عاملی است. به عبارتی، کسی سبب جابجایی و حرکت پیکر (kontu:r) شده است.

menal-ægæ *da-niʃ ti-jæsæ* ban sændæli. (M + P + Ma)

DEFINITE–بچه ۳PS-PRE PERF-نشستن–پیشوند به معنای پایین روی صندلی

آن بچه روی صندلی *نشسته است.*

همچنین، در نمونهٔ ۲۷، پیکر: menalægæ ؛ زمینه: sændæli ؛ مسیر: با تابع ban مشخص شده است. حرکت و مسیر هر دو همزمان در ریشهٔ فعل da niʃ tijæ رمزگذاری شده است که در آن da (به معنای پایین) پیشوندی است که در تقابل با پیشوند hæl (به معنای بالا[1]) به کار می‌رود. نوع حرکت نیز از نوع بومرنگی است. زیرا جایگاه پیکر ثابت و ساکن است.

دیگر افعال حرکتی، علاوه بر سه فعل حرکتی بالا، که این سه مؤلفه را همزمان با هم ترکیب می‌کنند عبارتند از:

---

۱. لازم به ذکر است که این پیشوند در مورد فعل حرکتی hælreʃanən در کردی کلهری با معنای ضرورتاً بالا یا بلند نیست، بلکه در این مورد همان معنای فعل اصلی reʃanən (به معنای ریختن و پهن‌کردن چیزی روی زمین) به قوت خود پایدار است.

hiz (خم‌شدن، دولاشدن)؛ da ʧ æmin (بالا کشیدن شلوار)؛ hæl hæl ki:ʃ anən (بلندشدن از خواب یا از حالت نشسته)؛ xesən (انداختن)؛ nowa kæftən (جلو افتادن)؛ gəlæw xwaɹ dən (پرتاب کردن، پرت کردن)؛ fəɹæ dajn (دور زدن، برگشتن)؛ geɹ dən (در برخورد با مانعی در مسیر حرکت تعادل خود را از دست دادن و به زمین خوردن)، اما این فعل حرکتی بدون پیشوند hæl فاقد عنصر معنایی مسیر است؛ hæl kæftən (سبقت‌گرفتن، از کسی یا چیزی جلو زدن)؛ da nowajn (گریختن از جایی به جای دیگر بخاطر احساس ترس و خطر)؛ fæɹ ar keɹ dən (ربودن چیزی به سرعت و با شتاب)؛ qæpanɛ n (چیزی را با زور فشار در جایی فروکردن)؛ tæpanɛn (ربودن چیزی به سرعت و فرار کردن)؛ refanən (ربودن چیزی به سرعت و فرارکردن)؛ ruwakanən (کسی را به زمین زدن)؛ rɛmanən

الگوی واژگان‌شدگی سه جزیی (M + CE + G)

در کردی کلهری چهار نوع فعل حرکتی یافت شد که در این الگو جای می‌گیرند، این افعال حرکتی عبارتند از:

bal geɹ dən (پرواز کردن)؛ mælæ keɹ dən (شنا کردن)؛ pæɹ in (پریدن)؛ hæjtawæ keɹ dən (تاب تاب کردن)؛

در همهٔ این مثال‌ها، علاوه بر این که مؤلفه‌های معنایی حرکت و شیوه با هم ادغام شده‌اند، عنصر معنایی زمینه نیز در ریشهٔ فعل بازنمایی شده است که در ارتباط با فعل حرکتی mælæ keɹ dən (به معنای شنا کردن) «آب»، و در مورد سه نمونهٔ دیگر «هوا» می‌باشد.

الگوی واژگان‌شدگی سه جزیی (M + P + F)

در این الگو عناصر سه‌گانهٔ حرکت، مسیر و پیکر با هم ترکیب و در هم ادغام می‌شوند. همان‌گونه که تالمی (۲۰۰۰ب) هم اذعان کرده بود، نمونه‌های این الگوی ادغام در تقریباً همهٔ زبان‌های دنیا محدود هستند که گویش کلهری زبان کردی هم از این قاعده مستثنی نیست. در این گویش کردی به طور محدود چهار فعل حرکتی هست که این سه مؤلفه را با هم ادغام می‌کنند. این افعال حرکتی عبارتند از:

hiz dajən (بلند کردن چیزی از زمین). شایان ذکر است که در این مثال، پیکر (چیزی) به صورت ضمیر سوم شخص مفرد آمده است و در فعل حرکتی بازنمایی پیدا کرده است. مانند مثال زیر:

hiz-i dæ. (M+P+F)
۳PS- بلند کردن

بلند کردن (چیزی) از روی زمین.

در این مثال، پیشوند hiz (به معنی بلند)، همچون پیشوند hæl، مسیر حرکت را واژگانی می‌کند. بنابراین مؤلفه‌های حرکت و مسیر همزمان با هم ترکیب شده‌اند. همچنین نکته‌ی اصلی این مثال، حضور پنهان پیکر (چیزی/شیئی) از روی زمین است.

همچنین، فعل حرکتی waɹ in (به معنای باران/برف/تگرگ باریدن) که پیکر (باران) در ریشهٔ فعل ادغام شده و سبب واژگانی‌شدن آن می‌شود (قبلاً در مثال ۱۵ هم به این فعل حرکتی پرداخته شد).

kiʃ ajən (به معنای جابجاکردن اسباب و اثاثیهٔ خانه از جایی به جای دیگر) که پیکر (وسایل و اثاثیه‌ی منزل) در ریشهٔ فعل ادغام شده است. مانند نمونهٔ زیر:

čæn ru:ʒi: hæs, kiʃ am-æ. (M+P+F)
چند روز-INDEFINITE MARKER است کشیدن -PRE PERF-۱PS

چند روزیست که خانه‌کشی (اسباب‌کشی) کرده‌ام.

tef keɹ dən (بیرون ریختن آب دهان یا چیزی که قابل خوردن نباشد) که پیکر (آب دهان یا هر چیزی که در دهان قابل خوردن نباشد) در ریشهٔ فعل با عنصر حرکت ترکیب شده است و مسیر نیز بیرون آمدن از دهان است.

الگوی واژگان‌شدگی سه جزیی (M + CE + F)

در افعالی این الگو یافت می‌شود که دو مؤلفهٔ معنایی پیکر و هم‌رویداد (شامل شیوه و سبب حرکت) را با هم ترکیب می‌کنند. شایان ذکر است که در برخی افعال حرکتی، موجودیت (عضوی از بدن) در حال حرکت این کار را به طرق مختلف به انجام می‌رساند و با این حرکت، عضو بدن (پیکر) به گونه‌ای خاص درگیر حرکت است. مانند نمونه‌های زیر:

lǽqæ xesən (لگد انداختن)؛ dæs-o-pa kotajn (دست و پا زدن در هنگام به خطر افتادن یا غرق‌شدن در آب)؛ dæs kotajn (دست زدن به نشانه‌ی تشویق کسی)؛ dakiʃ ajn (دراز کردن عضوی از بدن که در اینجا [پیکر] نامیده می‌شود؛ یعنی پا، deɹ i:ʒ keɹ dən (دراز کردن دست و پا به مثابهٔ پیکر)؛ qolæfɛɹi (با پا به کسی یا چیزی ضربه‌زدن)؛ sewaɹ i dajn (سواری‌دادن کسی با نشاندن او بر روی شانه و گرداندنش)، همان‌گونه که در مثال زیر نیز آمده است:

geɹ d-əm-æj	kul	ta	sewaɹ i-ʔi	bij-æ-m. (M+CE+F)
گرفتن-۱PS-۳PS	پشت	تا	سواری-۳PS	دادن-۳PS-۱PS

کولش گرفتم تا سواریش بدهم.

همچنین، در فعل حرکتیِ ʃ ælæqanən (تکان دادن مایع درون ظرف)، اگرچه پیکر عضوی از بدن نیست، اما علاوه بر دو عنصر معنایی حرکت و هم‌رویداد شیوه، پیکر همان مظروف (مایع) درون ظرف است که باید تکان داده شود.

در فعل حرکتیِ ʃ i:wanən (بهم زدن غذای در حال پخت) نیز سه عنصر حرکت، هم‌رویداد شیوه و پیکر (غذای درون ظرف) با هم ادغام شده و فعل ʃ i:wanən را بازنمایی می‌کنند.

الگوی واژگان شدگی چهار جزیی (M + P + CE + F)

در این الگو، چهار عنصر معنایی همزمان در ریشهٔ فعل با هم ادغام شده‌اند که همهٔ این مؤلفه‌های معنایی در ریشهٔ فعل بازنمایی می‌شوند. در کردی کلهری سه فعل وجود دارد که این مؤلفه‌های معنایی را با هم ترکیب می‌کنند.

فعل hælaweɹ dən (بالا آوردن غذا و هر آنچه که درون معده است، استفراغ کردن) در این گویش از این ویژگی برخوردار است. در اینجا، پیکر همان غذا و مواد درون معده است که در ریشهٔ فعل بازنمایی شده است. همچنین مسیر با پیشوند hæl مشخص شده است. همچنین فعل حرکتی ʧ ekanən (چکاندن و ریختن مایعات در چیزی یا جایی به صورت قطره قطره) که مسیر را با گروه حرف اضافه‌ای «به درون چیزی یا جایی از بالا به پایین» مشخص می‌کند، شیوهٔ حرکت به صورت قطره قطره بوده و پیکر نیز به صورت مایعات بازنمایی می‌شود.

همچنین مثال ۳۱، فعل حرکتی pɛf keɹ dən (فوت کردن و بیرون فرستادن هوا از دهان) نیز از این الگو برخوردار است. در این حالت، هوا (پیکر) از دهان به بیرون فرستاده می‌شود که همزمان مسیر را نیز بازنمایی کرده تا در ساز موسیقی (همچون نی) دمیده شود و یا شمعی را خاموش کرد که در این صورت کسی باعث خاموش‌شدن شمع می‌شود (هم‌رویداد سبب) در این مورد نیز در ریشهٔ فعل ادغام شده است که سبب به صدا درآوردن ساز موسیقی و یا سبب خاموش‌شدن شمع می‌شود.

mɛn pɛf keɹ d-em -æ ʃ æm-ægæ

من فوت کردن–PAST–۱PS به شمع –Definite

من به آن شمع فوت کردم.

الگوی واژگان شدگی پنج جزیی (M + CE + P + G + F)

این الگوی واژگان‌شدگی حاکی از آن است که در ریشهٔ فعل همزمان پنج عنصر معنایی حرکت + هم‌رویداد + مسیر + زمینه + پیکر با هم ترکیب می‌شوند. در کردی کلهری یک فعل ساده و یک فعل غیرسادهٔ حرکتی یافت شد که از این الگو برخوردار است.

۱.فعل سادهٔ ʃ i:wanən (بهم زدن یا مخلوط کردن چیزی در درون مایعات).

این فعل ساده در کردی کلهری همزمان مؤلفه‌های معنایی حرکت، شیوهٔ حرکت (که به صورت بهم‌زدن و مخلوط کردن است)، مسیر (که به صورت دورانی در جهت عقربه‌های ساعت و یا خلاف آن اتفاق می‌افتد)، زمینه (مایعی که محلولی را درون خود حل یا محو می‌کند)، و پیکر (محلولی است که در درون مایع حل می‌شود) را در ریشهٔ فعل بازنمایی می‌کند.

۲.فعل غیرسادهٔ (wæ mal) dær keɹ dən (شخصی را از جایی بیرون‌انداختن)، در ریشهٔ فعل (wæ mal) dær keɹ dən ([کسی] را از خانه بیرون‌کردن) همزمان مؤلفه‌های معناییِ الف) حرکت، ب) شیوهٔ حرکت‌دادن کسی (پیکر)، همچنین ج) مسیر حرکت که انتقال کسی از جایی به جای دیگر است، به عبارتی از داخل خانه به بیرون از آن، و د) mal (خانه) که زمینه است، به همراه مؤلفهٔ معنایی پیکر (کسی) با هم ادغام می‌شوند.

۳.نگارنده در جدول شمارهٔ ۱، توزیع فراوانیِ الگوهای ادغام در افعال حرکتی کردی کلهری را به تفکیک نشان داده است تا مشخص کند که کدام الگو از فراوانی بالا و کدام یک از فراوانی پایینی برخوردار است. شایان ذکر است که ترکیب‌ها در ردیف‌های پنج‌گانهٔ زیر که

شامل نه الگوی ادغام است، اطلاعات معنایی فعل‌های حرکتی در کردی کلهری را نشان می-دهند.

نوع الگو	الگوهای ادغام	فراوانی تعداد افعال حرکتی	درصد فروانی
۱ جزیی	حرکت	۲	٪۲
۲ جزیی	حرکت+مسیر	۳۳	٪۳۳
	حرکت+هم‌رویداد	۵۵	٪۵۵
۳ جزیی	حرکت+مسیر+هم‌رویداد	۱۸	٪۱۸
	حرکت+هم‌رویداد+زمینه	۴	٪۴
	حرکت+مسیر+پیکر	۴	٪۴
	حرکت+هم‌رویداد+پیکر	۹	٪۹
۴ جزیی	حرکت+مسیر+هم‌رویداد+پیکر	۳	٪۳
۵ جزیی	حرکت+هم‌رویداد+مسیر+زمینه+پیکر	۲	٪۲
	جمع کل الگوها	۱۳۰	٪۱۳۰

توزیع فراوانی ادغام عناصر رویداد حرکت در ریشهٔ افعال حرکتی در کردی کلهری

نتیجه‌گیری

با بررسی این نوشتار مشخص شد که گویش کردی کلهری به لحاظ رده‌شناختی در ردهٔ زبان‌های دوقطبی قرار دارد. نگارنده بر این باور است که داده‌های مورد تحلیل در گویش کردی کلهری نشان می‌دهند که نظریهٔ اصلاحی برمن و اسلوبین (۱۹۹۴) و اسلوبین (۲۰۰۴) مبنی بر قائل‌بودن به پیوستار برجستگی شیوه[۱] و نظریهٔ ایبارتس- آنتونانو[۲] (۲۰۰۴) پیوستار برجستگی مسیر[۳] در خصوص جایگاه رده‌ای این گویش قابل تأمل است، و انگارهٔ تالمی (۲۰۰۰ب) مبنی بر قائل‌شدن به ردهٔ دوگانهٔ فعل‌بنیان و تابع‌بنیان در مورد این گویش مورد تردید است. به عبارتی، مشخص شد که در این گویش، افعال حرکتی الگوهای معنایی

---

۱. manner-salience

۲. I. Ibarrtxe- Antuñano

۳. path-salience

یک‌جزیی را تا ۵جزیی بازنمایی می‌کنند. چرا که یک فعل حرکتی در زبان می‌تواند یک عنصر معنایی یا همزمان چندین عنصر معنایی را کدگذاری کند. پژوهش پیش‌رو نشان داد که در این گویش، نه الگوی ادغام وجود دارد که به ترتیب عبارتند از: الگوی واژگان‌شدگی تک جزیی حرکت، الگوی واژگان‌شدگی دو جزیی حرکت + مسیر، الگوی واژگان‌شدگی دو جزیی حرکت + هم‌رویداد، الگوی واژگان‌شدگی سه جزیی حرکت + مسیر + هم‌رویداد، الگوی سه جزیی حرکت + هم‌رویداد + زمینه الگوی واژگان‌شدگی سه جزیی حرکت + مسیر + پیکر، الگوی واژگان‌شدگی سه جزیی حرکت + هم‌رویداد + پیکر، الگوی چهار جزیی حرکت + مسیر + هم‌رویداد + پیکر، و الگوی پنج جزیی حرکت + هم‌رویداد + مسیر + زمینه + پیکر. سپس با تحلیل ۱۳۰ فعل حرکتی در این گویش؛ شامل فعل‌های ساده، فعل‌های مرکب، و فعل-های گروهی، از بین الگوهای نه‌گانه، الگوی غالب نیز به دست آمد که نسبت به دیگر الگوها از بیشترین امکان وقوع و فراوانی برخوردار است. از این رو، بر طبق جدول شمارهٔ ۱، الگوی حرکت ۲٪، الگوی حرکت + مسیر ۳۳٪، الگوی حرکت + هم‌رویداد ۵۵٪، الگوی حرکت + مسیر + هم‌رویداد ۱۸٪،الگوی حرکت + هم‌رویداد + زمینه ۴٪، الگوی حرکت + مسیر + پیکر ۴٪، الگوی حرکت + هم‌رویداد + پیکر ۹٪، الگوی حرکت + مسیر + هم‌رویداد + پیکر ۳٪ و الگوی حرکت + هم‌رویداد + مسیر + زمینه + پیکر ۲٪ به دست آمده که بر این اساس، الگوهای تک‌جزیی، چهارجزیی و پنج‌جزیی از کمترین بسامد برخوردار هستند و الگوهای حرکت + هم‌رویداد و حرکت + مسیر نیز به ترتیب از بیشترین مقدار فراوانی برخوردارند. همچنین، از هفت الگوی باقیمانده، الگوی سه جزیی حرکت + مسیر + هم‌رویداد نیز با ۱۸٪ بیشترین میزان بسامد را داراست. نتایج بررسی رویداد حرکت در گویش کردی کلهری، انگارهٔ رده‌شناسی دوگانهٔ تالمی را به چالش کشید و نشان داد که این انگاره اگر چه در خصوص برخی زبان‌ها همچون آلمانی، اسپانیایی، انگلیسی و ترکی کارآمد است، اما در مورد گویش کردی کلهری از کارآمدی لازم برخوردار نیست. بنابراین نمی‌توان در خصوص رده‌شناسی زبان ها تنها به دو شق قائل بود، بلکه به منظور کارآمدی بیشتر باید به دیدگاه اسلوبین (۲۰۰۴) و ایبارتس و همکاران (۲۰۰۴) توجه کرد. چرا که اسلوبین (۲۰۰۴) معتقد است زبان‌ها را باید بر اساس پیوستار برجستگی شیوه، مورد بررسی قرار داد، و همچنین ایبارتس و همکاران (۲۰۰۴) نیز بر این باورند که زبان‌ها را باید بر اساس پیوستار برجستگی مسیر ارزیابی کرد، و از آنجایی

که در این گویش، الگوهای دو جزیی حرکت + هم‌رویداد و حرکت + مسیر هر دو از بسامد بالایی برخوردارند و همچنین الگوی سه جزیی حرکت + مسیر + هم‌رویداد، به لحاظ فراوانی در جایگاه پس از دو الگوی دو جزیی حرکت + هم‌رویداد و الگوی حرکت+مسیر قرار می‌گیرد، بنابراین می‌توان گویش کردی کلهری را به لحاظ رده‌شناسی در دسته‌ی زبان‌های دو قطبی جای داد و به جای تقسیم‌بندی دو گانهٔ زبان‌ها به دو دسته‌ی فعل‌بنیان و تابع‌بنیان به پیوستاری قائل شد که در دو سوی آن، این دو گروه قرار دارند، اگر چه یافته‌ها نشان می‌دهد که سویهٔ این گویش بیشتر به سمت زبان‌های شیوه‌نماست. با این حال، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جستار حاضر، می‌توان گفت که بررسی افعال حرکتی در کردی همراستا با نتایجی است که حامدی و شریفی (۱۳۹۳) پیرامون رویداد حرکت فعل در زبان فارسی به‌دست داده‌اند.

کتاب‌نامه

۱- ازکیا، ن. (۱۳۹۰). حرکت در زبان فارسی: دیدگاهی شناختی و رده‌شناسی. *رسالهٔ دکتری*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۲- شاه‌حسینی، ف.، و روشن، ب.، و صبوری، ن. ب.، و نجفیان، آ. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی افعال مسیرنمای زبان‌های فارسی میانه و نو. *فصلنامهٔ علمی پژوهشی پژوهش زبان و ادبیّات فارسی*، ۳(۴۲)، ۱۹۳-۱۶۷.

۳- حامدی شیروان، ز.، شریفی، ش. (۱۳۹۳). بررسی رده‌شناختی مقولهٔ قمر در ساخت رویدادی افعال حرکتی در زبان فارسی». *دوماهنامهٔ جستارهای زبانی*، ۵(۲)، ۸۹-۷۱.

۴- مسگرخویی، م. (۱۳۹۲). بازنمود رویداد حرکت در زبان فارسی: رویکردی شناختی. *رسالهٔ دکتری*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

٥- Berman, R., & Slobin, D. I. (١٩٩٤). *Relating Events in Narrative: A Crosslinguistic developmental Study*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.

٦- Evans, V., & Green, M. (٢٠٠٦). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.

٧- Cifuentes Fe′rez, P. (٢٠٠٨). Motion in English and Spanish: A Perspective from Cognitive Linguistics, Typology and Psycholinguistics. *PhD Thesis*, Spain: Universisdad de Murcia.

٨- Ibarretxe-Antuñano, I. (٢٠٠٤a). “Motion Events in Basque Narratives”. In S. Strömqvist & L. Verhoeven (Eds.), *Relating Events in Narrative: Typological*

and Contextual Perspectives in Translation. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, pp. ۸۹-۱۱۲.

۹- Karimipour, A., & V. Rezai. (۲۰۱۶). Typological Analysis of Ilami Kurdish Verbs of Motion: With Focus on the Concept of Path. *DE GRUYTER MOUTON*, ۶۹(۳), ٤۱۱-٤۳٥.

۱۰- Lakoff, G. (۱۹۸۷). *Women, fire and dangerous things: What categories reveal about the mind*. Chicago: Chicago University Press.

۱۱- Lindsey, T. S. (۲۰۱۱). *Bulgarian Verbs of Motion: Slavic Verbs in a Balkan Context*. ProQuest LLC. ۷۸۹ East Eisenhower Parkway, PO Box ۱۳٤٦, Ann Arbor, MI ٤۸۱۰٦.

۱۲- Saidi, D. (۲۰۰۷). Typology of motion event in Tunisian Arabic. *Proceedings of Lingo*, ۱۹٦-۲۰۳.

۱۳- Slobin, D. I. (۲۰۰۰). “Verbalized events: A dynamic approach to linguistic relativity and determinism”. In S. Niemeyer & R. Dirven (Eds.) *Evidence for linguistic relativity*. Berlin: Mouton de Gruyter, pp. ۱۰۷-۱۳۸.

۱٤- Slobin, D. I. (۲۰۰٤). The Many Ways to Search for a Frog: Linguistic Typology and the Expression of Motion Events. In: S. Strömqvist & L. Verhoeven (Eds.). *Relating Events in Narrative: Typological and Contextual Perspectives in Translation*, (pp. ۲۱۹-۲٥۷). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.

۱٥- Talmy, L. (۱۹۸٥). “Lexic liz tion p tterns: Sem ntic structure in lexic l forms”. In T .Shopen (Ed.), *Language typology and lexical descriptions: Vol. ۳*.

۱٦- *Grammatical categories and the lexicon*. Cambridge: Cambridge University Press, pp. ۳٦–۱٤۹.

۱۷- Talmy, L. (۲۰۰۰b). *Towards a Cognitive Semantics*. Vol. II. Cambridge, MA: MITPress.